

منطق و معرفت
در اندیشه سهروردی
شرح منطق حکمت الإشراق
مدی عینی

«منطق و معرفت در اندیشه سهروردی؛ شرح منطق حکمة الإشراق» منتشر شد

«منطق و معرفت در اندیشه سهروردی؛ شرح منطق حکمة الإشراق» تألیف مهدی عظیمی به همت مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران منتشر شد.

«منطق و معرفت در اندیشه سهروردی؛ شرح منطق حکمة الإشراق» تألیف مهدی عظیمی به همت مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران منتشر شد.

به گزارش خبرگزاری مهر، «منطق و معرفت در اندیشه سهروردی»، نوشته مهدی عظیمی، دانشیار دانشگاه تهران، عنوان کتاب مفصلی در شرح منطق «حکمة الإشراق» است.

انتشارات مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران این کتاب را در حجمی بالغ بر ۶۰۰ صفحه منتشر کرده است. این کتاب، در هر فصل، با قطعه ای از متن اعراب گذاری شده حکمة الإشراق آغاز می شود؛ سپس با ترجمه دقیق فارسی آن قطعه ادامه می یابد، و سرانجام با شرحی تحلیلی انتقادی و کاملاً معاصر بر آن قطعه، پایان می پذیرد.

سهروردی در منطق حکمة الإشراق نه تنها دستگاه منطقی خود را بازمی نمایاند، بلکه نظام معرفت شناسی خویش را هم عرضه می کند. نظر رایج، که در غرب کسانی چون ضیایی و والبریج آن را نمایندگی می کنند، بر این است که سهروردی در هر دو این قلمروها به جدّ از ابن سینا واگرایی دارد. اما در این کتاب شرح داده می شود که سهروردی، بر خلاف این نظر رایج، در این هر دو حوزه کاملاً با ابن سینا همگرایی دارد و در حال تکمیل برنامه های ناتمام اوست.

منطق سهروردی در حکمة الإشراق سه جز اصلی دارد؛ نظریه تعریف، منطق موجّهات، و آموزه مغالطات. سهروردی پس از نقد نظریه مشایبی تعریف، به طرح نظریه اشراقی تعریف می پردازد. در این کتاب نشان داده می شود که هم آن نقدها، و هم این نظریه جدید، از ابن سینا برگرفته شده و به دست سهروردی پخته و پرورده شده اند. منطق موجّهات سهروردی، چنان که در این کتاب توضیح داده می شود، به شیوه های مختلفی قابل تفسیر و صورت بندی است؛ ولی یکی از جدّاب ترین و قابل دفاع ترین تفسیرها متعلق به تونی استریت است که بر پایه آن، منطق موجّهات سهروردی پیش دیدی قرن سیزدهمی از تفسیر قرن بیستمی پل تام برای منطق موجّهات ابن سینا است.

در مغالطات نیز کتاب آشکار می سازد که سهروردی، درست به اقتفای ابن سینا، مواضع جدلی را از اصول راهبرد مناظره به «مغالطات تعریف» دگرگون می کند و مغالطات ارسطویی را به منزله «مغالطات استدلال» برمی گیرد؛ و بدین سان، همچون بوعلی، به موازات دوگانه تعریف / استدلال، دو گونه از مغالطات را از هم متمایز می کند: مغالطات تعریف و مغالطات استدلال.

معرفت شناسی سهروردی نیز، چنان که در این کتاب شرح داده می شود، درباره چپستی، امکان، منابع، و ساختار معرفت، تابع معرفت شناسی ابن سیناست؛ و تنها تفاوت بنیادین آن در به رسمیت شناختن یک منبع نامتعارف معرفت به نام «تأله» (یا «ذوق» یا «اشراق») است که در مفهوم سازی معاصر مرادف است با تجربه دینی. درباره تجربه دینی سه مسئله مهم وجود دارد: ماهیت، انواع، و اعتبار. در باب ماهیت تجربه دینی دیدگاه های مختلفی مطرح شده است که از آن میان، کتاب ادعا می کند که نگاه سهروردی به دیدگاه آلستون نزدیک تر است.

آلستون تجربه دینی و تجربه حسّی را هم ساخت می داند. درباره نوع تجربه دینی، آن گونه که مراد سهروردی است، این کتاب می گوید که اولاً متعلق تجربه دینی هرّم مثل است، که خداوند به منزله مثال خیر در رأس آن قرار دارد؛ و ثانیاً فرآیند این تجربه برای سهروردی خلع ارادی بدن است، که در فراروانشناسی ذیل عنوان «تجربه بیرون از بدن» از آن بحث می شود.

در باب اعتبار معرفت شناختی تجربه دینی دو چیز را باید از هم تفکیک کرد: نخست، اعتبار برای تجربه گر؛ و دوم، اعتبار برای دیگران. این کتاب توضیح می دهد که، در یک مفهوم سازی معاصر، سهروردی بر پایه اصل آسان باوری، اولی را؛ و بر پایه اصل گواهی، دومی را می پذیرد؛ و از این رهگذر بر آلستون و سوئین برن فضل تقدّم می یابد. مهم ترین چالش در برابر اعتبار تجربه دینی، چنان که کتس بر آن پای می فشرد، چالش تعارض است. این کتاب نشان می دهد که سهروردی با بصیرتی شفاف نسبت به این چالش، می کوشد تا از طریق بازگرداندن آن به زبان نمادین اصحاب تجارب

دینی راه حلی پیش نهد.

«منطق و معرفت در اندیشه سهروردی»، نوشته مهدی عظیمی، دانشیار دانشگاه تهران به بهای ۶۳ هزار تومان به همت مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران منتشر شد.